

نقد نگارشی یک رأی

محمد رضا حسینی

نگاه انتقادی به رأی دادگاه چه کیفی باشد و چه حقوقی، در جای خود می تواند یادآور دایمی این نکته باشد که هنوز تا نگارش یک رأی شیوا، منسجم، روان و بی نقص فاصله هایی داریم. اینک رأی دیگری را که اخیراً از دادگاههای عمومی تهران صادر شده است به طور اتفاقی و بی هیچ گزینشی، در پیش روی داریم یعنی نخست آن را با هم می خوانیم و آن گاه به لغزشهای نگارشی آن می پردازیم:

این رأی در تاریخ ۲۷/۶/۸۲ صادر شده است.

«رأی دادگاه»

در خصوص اتهام آقایان (س - م و ح) نام خانوادگی همگی (ش) داور بر مشارکت در کلاهبرداری با توجه به شکایت شاکی و گزارش مرجع انتظامی و اقدامات انجام شده توسط متهمین که با ارائه برگه ای که محتوی امضاء جعلی شاکی بوده اقدام به تنظیم سند بنام خود نموده اند و نظریه کارشناس

خط و افادیر متهمین بر انجام فعل فوق هر چند منکر سوء نیت خود در انجام اعمال و اقدامات پرونده شده اند و مجموعه بزهکاریشان محرز است لذا به استناد ماده یک قانون

تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری به تحمل یکسال حبس تعزیری محکوم می گردند رأی صادره حضوری و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم تجدیدنظر استان می باشد.

۱- چهره رأی و قواره و قالب آن مانند دیگر آرا و احکام کاملاً کلیشه ای و سنتی است، از پیش نیز شمارا به نوآوری و سنت شکنی در شیوه انشای رأی فراخوانده بودم پس در این مورد باز هم یادآور می شوم که در نگارش رأی، ابتکار و نوجویی پسندیده تر از فرو رفتن در قالبهای کلیشه ای است.

۲- ترکیب «دایر بر» به لحاظ استفاده از حرف استعلا، خالی از فصاحت است، دایر به چیزی باید باشد و نه بر چیزی.

۳- نام دادخواه یا شاکی در متن رأی دیده نمی شود. در حالی که هر رأی و هر قرار باید در بردارنده معرفی کامل خواهان و خواننده و دادخواه و دادخواننده یا شاکی و متهم باشد. در این مورد توصیه می شود که به ذکر مشخصات صاحبان دعوا در قسمت «گردش کار» بسنده نکنیم.

۴- نشانی صاحبان دعوا نیز باید در ضمن رأیها و قرارها آورده شود، فرق نمی کند محتوای رأی کیفری باشد یا مدنی.

۵- واژه «انجام» در لغت به معنای نهایت کار و پایان

آن می باشد و گاه با پیش واژه «سر» به صورت «سرانجام» هم دیده می شود: «خدایا چنان کن سرانجام کار...» این واژه با فعلهای کمکی دادن و شدن و یافتن و غیره استعمال می شود بنابراین هر گاه بدون فعلهای کمکی نباید نمی تواند معنای صورت گرفتن کاری را برساند اگر بگویید ما در انجام کار تاخیر کردیم درست نیست باید گفت ما در انجام دادن کار تاخیر کردیم و نیز درست است که بگوییم «از آغاز تا انجام کار ناظر قضیه بودم» ولی نمی توانید بگویید «او در انجام کار، مسامحه کرد». در متن



رأی آمده است که: متهمین به انجام افعال فوق و غرض البته آن بوده است که به انجام دادن کارهای متناسب به خود...

۶- باید توجه داشت که جمع بستن واژگانی که از زبان عربی وارد زبان فارسی شده اند با شیوه های جمع تازی، پسندیده نیست، پس بهتر است این واژه ها را نیز با نشانه های جمع فارسی یعنی «آن» و «ها» جمع ببندیم، از این روی گفتن و نوشتن متهمین، ضابطین و مأمورین درست نیست چون «ین» نشانه جمع عربی است آن هم در حالت مجرور که برای جمع وضعیت نادری است.

۷- در جهت همزه زدایی از متن فارسی، سفارش می کنیم که نخست از آوردن واژه های فارسی با همزه بشدت خودداری شود و مثلاً نباید بنویسد دانائی به جای دانایی و بفرمائید به جای بفرمایید و دو دیگر آن که در واژه های عربی نیز می توان همزه را به حرف «ی» بدل کرد تا به تلفظ فارسی نزدیکتر باشد لذا تمام همزه ها در واژگان عربی مختوم به همزه که پیش از آن الف قرار گرفته باشد حذف می شود مثلاً به جای دعاء و ثناء و رجاء و ابتداء و انتهاء باید نوشت دعا، ثنا، رجاء، ابتدا و انتها، همچنین در این واژه ها هنگام اضافه شدن به اسم دیگر همزه به «ی» بدل می شود پس باید نوشت و گفت دعای خیر، ابتدای سخن و انتهای راه. در رأی آمده است «امضاء جعلی» که

بهرت بود نوشته می شد: امضای جعلی.

۸- حرف «ب» به هر عنوانی که مورد استفاده قرار گیرد، از جمله به عنوان اضافه و زینت و تاکید و معیت، در نگارش به اسم و به ضمیر نمی چسبد. بنابراین باید نوشته شود به نام و نه بنام.

۹- استفاده از ترکیبات فعل نمودن به جای کردن، خالی از فصاحت است. نباید بنویسد به نام خود نموده اند باید بنویسد، به نام خود کرده اند.

۱۰- انجام اعمال و اقدامات پرونده عبارت درستی نیست یعنی ضمن این که کاربرد واژه انجام با توصیه فقره ۵ مخالفت دارد. «اقدامات پرونده» هم بکلی بی معنای باشد. منظور قاضی البته کارهای متناسب به متهمان بوده است به گونه ای که در پرونده آمده است.

۱۱- در نوشته های رسمی سعی می شود که از ضمائر «ام» و «اش» و «تان» و «شان» کمتر استفاده شود پس بهتر است به جای خواهرش بنویسد خواهر او و به جای دخترشان بنویسد دختر آنان به همین قیاس ترکیب «بزهکاریشان» به جای بزهکاری آنان فصاحت ندارد.

۱۲- قواعد حاکم بر نگارش عدد و معدود ایجاب می کند که در متن آرا و قرارها از نوشتن عدد به صورت ریاضی آن، خودداری شود مگر در جایی که اشاره به شماره اصول و مواد قانونی باشد و مگر در جایی که بحث آمار و مقایسه در کار باشد. در متن رأی، نوشتن «ماده ۱» به صورت «ماده یک» درست نیست.

۱۳- عدد و معدود از هم جدا نوشته می شوند پس باید بنویسد یک سال و شش ماه و یک روز. شیوه نوشتن یکسال در رأی درست نیست.

۱۴- عبارت «رأی صادره» عبارت درستی نیست چرا که واژه صادره به صورت مؤنث قید شده است و این امر معلول کاربرد بسیار غلط واژه صادره است در ضمن آرا و احکام. شاید عبارت احکام صادره به اعتبار انطباق صفت و موصوف درست باشد ولی دیگر رأی صادره و قرار صادره و حکم صادره درست نیست و اصلاً بهتر است به جای رأی صادره و قرار صادره نوشته شود رأی دادگاه و قرار دادگاه که در واقع به معنای رأیی است که از دادگاه صادر شده است. به هر حال وقتی که از واژه صادر و صادره بدون التفات به معنای آن و بدون توجه به مذکر و مؤنث بودن آن و نیز بدون توجه به این که اصلاً لازم است در فارسی، انطباق صفت و موصوف مورد نظر قرار گیرد، استفاده های بسیار نا به جایی می شود، ترک آن سزاوارتر است.